

بهرز سون: از ثابتی تا اهالی ثبات!!



گویا قضیه خرید حبوبات بوده است. بجای نخود, لوبیا خریده شده است؟! اینکه سه دهه سایه شوم ساواک تا پنهان ترین روابط خصوصی مردم کشورمان نفوذ داشت و خواندن کتاب غیر رستاخیزی جرم محسوب میشد. اینکه سه دهه مردم کشورمان آزادی را در لابلای کتاب ها جستجو میکردند. اینکه چند هزار اعدام سیاسی رخ داد و دهها هزار نفر از لطف شکنجه گران ساواک بی بهره نماندند و اینکه در نهایت خاندان پهلوی و عواملش با میلیاردها دلار در بانکهای اروپائی و آمریکائی متواری شدند و... تنها اشتباهاتی خوانده میشود که آنهم مولود شرایط خاص آندوران بوده است که مخالفان رژیم مسلح بوده اند و بمب در اختیار داشته اند

.....

حتما بیاد دارید که پیش از سرنگونی قهری رژیم پهلوی قیل و قالی براه افتاده بود و در راس اخبار و تحلیل ها از کشور عاری از مهری ایران بعنوان جزیره ثبات در منطقه یاد میشد! جزیره ثبات را بعنوان جزیره ای میشد تصویر و تحلیل کرد که آمران و صاحبان قدرتش با عیار بسیار بالائی از سرسپردگی به دول غربی بر آن حکومت میکنند

درخواست بخشی از زندانیان سیاسی سابق از صدای آمریکا برای در اختیار گرفتن این بلندگو و پاسخ به دروغ پردازی های پرویز ثابتی از این رسانه محرک نوشتن این سطور شد. در همین روزها مصاحبه آقای رضا پهلوی در خودنویس منتشر شد که در این آدرس یافت میشود.

از رضا پهلوی گرفته تا ثابتی و عوامل رژیم پهلوی و وابستگانش همگی بر این عقیده اند که پیدایش هیولائی بنام جمهوری اسلامی منتج از قدرناشناسی مردم بوده است. زمانی هم که به سرکوب پلیسی و جنایات و شکنجه در آندوره اشاره میشود, میگویند:

اشتباهاتی هم بوده است!!

گویا قضیه خرید حبوبات بوده است. بجای نخود, لوبیا خریده شده است؟! اینکه سه دهه سایه شوم ساواک تا پنهان ترین روابط خصوصی مردم کشورمان نفوذ داشت و خواندن کتاب غیر رستاخیزی جرم محسوب میشد. اینکه سه دهه مردم کشورمان آزادی را در لابلای کتاب ها جستجو میکردند. اینکه چند هزار اعدام سیاسی رخ داد و دهها هزار نفر از لطف شکنجه گران ساواک بی بهره نماندند و اینکه در نهایت خاندان پهلوی و عواملش با میلیاردها دلار در بانکهای اروپائی و آمریکائی متواری شدند و... تنها اشتباهاتی خوانده میشود که آنهم مولود شرایط خاص آندوران بوده است که مخالفان رژیم مسلح بوده اند و بمب در اختیار داشته اند.

روسیاهی حکومتگران جمهوری اسلامی تا آن حد است که چهره اطلاعاتی و منفور آندوران پرویز ثابتی دوباره طرح میشود و هر یک از هواداران رژیم پادشاهی فاصله خود را با وی تعریف میکنند بی آنکه این پلید را مستقیماً و بی شیله پیله محکوم کنند.

گفته میشود که خاندان پهلوی کشور را به مردم سپردند و ایران را ترک کردند!!

صد البته لاشه سوخته شده تانکهای نظامی خود را در صحن خیابانها جا گذاشتند بهمراه هزاران جسد معترضان در میدان ژاله و سراسر ایران

این روایات در حالی گفته و نوشته میشود که هنوز پرونده جنایات این فرد باز است. هنوز دادگاهی برای او تشکیل نشده است. هنوز نقش بارز ثابتی در کشتار و شکنجه و جنایات سیستم اطلاعاتی پهلوی به دادگاهی حقیقت یاب ارائه نشده است و قربانیان آندوران امکان طرح شکایات خود را نداشته اند. هنوز تبصره جنبی این پرونده سیاه و قتل فروشنده کفاشی شارل جوردن به آن وصل نشده است. هنوز سربه نیست شدن خبرنگاری که پیگیر این موضوع بود ضمیمه نشده است.

گفتگو را در این آدرس بخوانید!

خودنویس

در این گفتگو اشاره میشود که ایشان نیز ارتباط با این پلید را کتمان کرده اند.

البته در سطوری اشاره شده است که سالها قبل ایشان را ملاقات کرده اما در (دستگاه پادشاهی) خود ندارند. همچنین میگوید با ثابتی ارتباطی ندارم و شکنجه را محکوم میکنم.

اینکه پس از موج اعتراضات به دروغپردازی های ثابتی، رضا پهلوی از ارتباط با ایشان سخن بگوید دور از انتظار بود و در حال حاضر چهره ای مطرح در تبعید را نمیتوان یافت که از وی دفاع و یا اقرار به ارتباط با او کند. رضا پهلوی شکنجه را محکوم میکند. البته از صراحت کامل پرهیز میکند. اینکه شکنجه سازمانهای اطلاعاتی یک جنایت است و آمران آن در هر رده ای باید مورد پیگیری و محاکمه قرار گیرند در این مصاحبه ذکر نمیشود. بر عکس به خواننده گرا میدهد تا میان شکنجه کسی که بمب!! دارد و کشته شدن تعدادی از مردم توسط آن بمب، انتخاب کند. این توجیه از سکه افتاده همیشه و در طول تاریخ چند دهه اخیر بهانه شکنجه و شکنجه گران قرار گرفته است. در جای دیگر طرح سوال میکند!!

. آیا می توانیم نظامی داشته باشیم که شکنجه در قوانینش باشد؟

انتخاب کنید:

شکنجه یکنفر و رسیدن به اطلاعات پیشگیری از کشته شدن دهها نفر!!

صغری کبری کردن رضا پهلوی این پاراگراف عریض و طویل را منعکس کرده است.

خودنویس:

او همچنین درباره نظرش در باره شکنجه که در زندان‌های دوران پهلوی از سوی ساواک اعمال می‌شده گفت: «من شخصا خیلی تاسف می‌خورم که این اتفاق افتاد و هنوز هم دارد در کشورمان اتفاق می‌افتد. مقصرش هر که هم باشد، من مخالف سرسخت هر نوع شکنجه هستم. شکنجه بر خلاف تمام اصول بشری است. در خیلی از کشورها و سازمان‌های اطلاعاتی سعی می‌کنند که در بعضی از موارد خاص قابل توجیه باشد، حتی اگر بدانید یک نفر اطلاع خاصی داشته باشد از یک بمب که ممکن است جان بسیاری را بگیرد... حد شکنجه را چگونه می‌توان تعیین کرد؟ به محضی که اصل شکنجه را تایید کنید، تا ته آنرا باید بروید و نمی‌توانید حد برایش قائل باشید. آیا می‌توانیم نظامی داشته باشیم که شکنجه در قوانینش باشد؟ آن زمان توجیه سازمان امنیت (ساواک) چه بود؟ توجیه در مورد بعضی فعالان مسلحی بود که علیه حکومت جنگ‌های چریکی مسلحانه می‌کردند، مثل سازمان مجاهدین و چریک‌های فدایی خلق. درست که جنگ سرد بود، اما با وجود این، من نمی‌توانم قبول کنم و شخصا محکوم می‌کنم. فکر می‌کنم همه هم میهنان باید این مساله را محکوم کنند. ما نمی‌توانیم اساس شکنجه را به عنوان یک اصل در یک جامعه مترقی قبول کنیم.

البته موضوع محکومیت شکنجه را مدتهاست که هم میهنان ما طرح کرده اند و ایشان کمی دیر این رهنمود را میدهند!!

پاسخ میتوانست خیلی صریح و کوتاه باشد:

شکنجه اقدامی است ضد بشری و این پدیده زشت سیاسی اجتماعی را باید بدون اما و اگر ریشه کن و مبارزه با آنرا در جامعه نهادینه کرد.

نه تبصره می‌خواهد و نه بهانه رسیدن به بمب!!! و نجات بشریت!!! از سوی شکنجه گران

محور دوم مطرح شده در این مصاحبه نشست اسرار برانگیز اولاف پالمه است که ایشان معتقدند:

پیدا کنید نظر آقای رضا پهلوی را درباره پشت پرده های این اجلاس!!

رضا پهلوی در باره مباحثی مثل «شورای ملی» و «کنگره ملی» و «آلترناتیوسازی» گفت:

من شخصا توجه‌ام در تشکیل شدن نهادی است که بتواند عهده‌دار تقسیم بندی کار و هماهنگی ایجاد کردن در حرکت‌هایی است که باید در ایران اتفاق بیافتد، در جهت خواست جمعی که اکثر طیف‌های سیاسی به آن رسیده‌اند و آن هم برگزاری انتخابات آزاد است. بنابراین باید تقسیم کار صورت بگیرد، عده‌ای در کنفرانس‌ها شرکت می‌کنند و پروژه و نظر می‌دهند

پاراگراف بعدی!!

آقای پهلوی ادامه داد: باید به شکل شفاف‌ی با این مساله برخورد کنیم.

امروز در عصری زندگی می‌کنیم که همه هم میهنان باید در جریان تمام اقدامات باشند. قضیه «پیچ پیچ» کردن پشت درهای بسته نیست. قضیه از قبل یک طومار بستن و به جامعه تحمیل کردن نیست»

چنانچه نشست مخفی مرکز اولاف پالمه پچ کردن پشت در های بسته نبود, پس چه بود؟

میهم گوئی ها و دوپهلو گفتن های ایشان نشان از فقری سیاسی و ریگی است که ایشان در کفش دارد و رضا پهلوی در موضع یک نیروی سیاسی در اپوزیسیون تنها افقی تاریک و ناشناخته را به مردم کشورمان بشارت میدهد. در عصری زندگی میکنیم که دستیابی به نظرات و عقاید عمومی برای تصمیم گیری های سیاسی و اجتماعی میتواند از طریق امکانات الکترونیکی و ارتباطی پیشرفته به سرعت نور انجام گیرد. در برخی از کشورها همه پرسى های روزانه از طریق اینترنت انجام می پذیرد. در مواردی شاهد بوده ایم که این امکانات توانسته اند جنبش های اجتماعی را سازمان دهند و مادیت ببخشند و در چنین شرایطی ایشان از نشست های اسرار آمیز, مخفیانه و پشت پرده جهت آلترناتیو سازی و تصمیم گیری برای عموم آنها با بخشی از اپوزیسیون دفاع می کنند.

امید که با دوری از منافع فرقه ای و جناحی کمی هم دمکراسی را تعریف کنیم

بهروز سورن

www.gozareshgar.com

Sooren001@yahoo.de

22.03.2012